

خیلی دور خیلی نزدیک

«ناهید» بار دیگر جایزه گرفت

● شرق، جایزه بهترین کارگردانی جشنواره براتیسلاوا به آیدا پناهنده و جایزه بهترین بازیگر مرد به نوید محمدزاده برای بازی در «ناهید» رسید. فیلم سینمایی «ناهید» که در بخش مسابقه جشنواره فیلم براتیسلاوا حضور داشت، موفق به کسب جایزه بهترین کارگردانی برای آیدا پناهنده و بهترین بازیگر مرد برای نوید محمدزاده شد. طبق بیانیه هیات داوران، آیدا پناهنده به‌خاطر تصویر چشمگیر و تأثیرگذاری که از شرایط پیچیده یک خانواده می‌دهد و نوید محمدزاده برای بازی پیچیده و کاملا باورپذیری که ارائه داده است، موفق به کسب این جوایز شده‌اند. این جایزه اولین جایزه بین‌المللی نوید محمدزاده است. محمدزاده سال گذشته کاندیدای جایزه بهترین بازیگر مرد برای فیلم «عصبانی نیستم» در جشنواره آسیاسیفیک بود. جایزه بهترین فیلم جشنواره براتیسلاوا به فیلم «زمین و سایه» به کارگردانی سزار اگوستو از کلمبیا داده شد. همچنین جایزه داوران دانشجویی به فیلم «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» داده شد و جایزه بهترین بازیگران را هم به طور مشترک به نیکی کریمی و سحر احمدپور داده شد. هفدهمین دوره جشنواره فیلم براتیسلاوا از ۱۲ تا ۱۷ نوامبر در کشور اسلواکی برگزار شد.

ادامه از صفحه ۱۱

جنین معاصر می شویم

بخش دیگری از نهادهای مربوط به هنر معاصر نهادهای دولتی یا وابسته به دولت هستند. اخیرا هم با تلاشی که داشتید کانون «رسانه‌های نوین یا همان نیو مدیا» را در موزه هنرهای معاصر تهران راه‌اندازی کردید. از تمام هنرمندان معاصر هم دعوت کردید که با این کانون همکاری داشته باشند. لطفا کمی درباره این کانون توضیح بدهید.

در گفت‌وگوی تلویزیونی که با آقای ملاپورویز، مدیر موزه هنرهای معاصر تهران داشتم بر این نکته تأکید کردم که در موزه هنرهای معاصر باید آثار هنرمندان معاصر ایران دیده شود. از سویی ما انسان‌هایی معاصر با مسائل و مشکلاتی معاصر هستیم. رسانه‌های کلاسیک در این عرصه به لحاظ بیانی کم‌توان هستند و بسیاری از مسائل امروز را نمی‌توان با آنها بیان کرد. رسانه‌های نو- برآمده از شرایط و بستر امروز هستند و توانایی بیانی بهتری در این عرصه دارند. برای مثال امکان بیان هنری درباره مسائل حول‌وحوش شبکه‌های اجتماعی توسط رسانه‌های نو بیشتر محتمل است تا رسانه‌ای مانند نقاشی. خوشبختانه با مساعدت مدیریت و معاونت موزه هنرهای معاصر تهران چنین نهادی بنیان شد تا محلی باشد برای تمرکز بر نیو مدیا یا همان رسانه‌های نو (ترجیح می‌دهم از ترجمه فارسی آن استفاده نکنم). این کانون نهادی است برای هنرمندان و مخاطبان این عرصه و تلاش می‌کند تا تسهیلاتی را در این عرصه فراهم کند. همچنین کانون نیو مدیا نهادی است برای ثبت آثار معاصر در حوزه نیو مدیا و نوعی پایگاه داده‌ها که امکان دسترسی گسترده‌تری را برای مخاطبان و هنرمندان هم‌وار خواهد کرد. قطعا اگر یک نهاد مرجع در این زمینه بخواد فعالیت انجام دهد، آن نهاد موزه هنرهای معاصر تهران است.

لازمینه‌های فعالیت کانون چه هستند؟

کانون در سه زمینه فعال خواهد بود. اول در زمینه اجرایی، یعنی برگزاری فستیوال‌ها، معرفی آثار هنرمندان و ایجاد تعامل پویا میان هنرمندان.

دومین زمینه که شخصا برایم بسیار مهم است، بخش آموزش است. موزه هنرهای معاصر صرفا جایی برای به نمایش گذاشتن آثار هنری نیست. جایی است که می‌توان مردم را به روش‌های مختلف با هنر معاصر آشنا کرد. در جایی که رسانه ملی تأملی به ایفای نقش در زمینه آشناسازی مردم با هنر معاصر ندارد، بهترین نهاد برای ارتباط عام، موزه هنرهای معاصر تهران است. زمینه سوم، بخش تحقیقات و مطالعات نظری است که در تعامل با دو بخش دیگر قرار خواهد گرفت. شناسایی و معرفی جریان‌های هنری و تعریف و تبیین جریان‌های پویای حاضر از وظایف این بخش خواهد بود. تقویم اسمسال را با «فستیوال سی پرفورمنس، سی هنرندم، سی روز» آغاز خواهیم کرد که از ۲۶ آذر شروع به فعالیت می‌کند و تا اوایل بهمن به طول می‌انجامد. ما هم تا آنجا که بشود کمک خواهیم کرد. کانون نیو مدیا متعلق به همه هنرمندان این عرصه است.



عسل عباسیان: سینمای ارزان، راهگشای وضعیت کنونی سینمای ایران خواهد بود؟ می‌توان فیلم‌هایی با حداقل هزینه و امکانات ساخت و امیدوار بود تا این فیلم‌ها، سینما را از وضعیت روبه‌افسای کنونی بیرون آورده و جریان اقتصادی سینما را از رکود خارج کنند؟ این پرسش‌ها را با اهالی سینما در میان گذاشتم.

بیژن میرباقری، کارگردان معتقد است در سینمای ایران، امکانی برای سینمای کم‌خرج وجود ندارد. او در این باره می‌گوید: «ممکن است بتوان فیلم ارزان ساخت، ولی به همان میزان باید دید چه میزان سینما در آن فیلم وجود دارد. درواقع بحث ساخت فیلم و تولید سینمای ارزان را باید جدا کنیم. ممکن است فیلم ارزانی ساخته نشود ولی آیا آن فیلمی که به ارزانی و بدون صرف هزینه ساخته شده، امکان این را دارد که تماشاچی را به سمت خودش بکشد؟ درواقع ارزان‌بودن هزینه‌های ساخت یک فیلم به معنای این نیست که بهره‌برداری مفید سینمای ارکان از آن میسر است. در خارج از ایران، البته وضعیت فرق می‌کند. سایت‌های حمایت‌کننده‌ای وجود دارند، که مثلا دیده شده در آن یک کارگردان جوان با گرفتن یک دلار، از همه کاربران آن سایت توانسته فیلم ارزان بسازد و مخاطب هم داشته باشد. اما در ایران برای سینمای ارکان و نه برای نمایش‌های شخصی و جشنواره‌ای، ساخت کم‌هزینه غیرممکن است و سینمای ارزان وجود ندارد.»

سینمای دولتی، بالا برنده هزینه‌ها

این درحالی است که منیزه حکمت، کارگردانی که تهیه‌کننده هم هست و از این جهت بر مناسبات حاکم بر اقتصاد سینما نیز اشراف دارد، دراین باره می‌گوید: «وقتی بحران داریم، باید راهکارهای بیرون‌رفت از بحران را به شکل حرفه‌ای تعریف کنیم تا سینمای بدنه لطمه نخورد. این بحران کنونی سینما، صورت حل‌وفصل می‌شود که تولید حرفه‌ای و گیشه‌دار، با کمترین هزینه صورت گیرد. این هم مستلزم همکاری کلیه عوامل فیلم است، که این همکاری نیازمند یک درک همگانی است، چون اگر سینما با ادامه‌یافتن این بحران، بیش از این آسیب ببیند، سوپرستار این سینما هم آسیب می‌بیند. البته آسیب اصلی، در شرایط کنونی توسط سینمای دولتی و بودجه‌های بی‌حساب‌و‌کتابی که صرف تولید می‌شود، به سینما وارد شده و تسلط سینمای دولتی است که هزینه‌ها را بالا برده و سینما را دچار بیماری کرده. وگرنه بخش خصوصی بسیار پرتوان است و تهیه‌کننده بخش خصوصی می‌داند که چطور فیلم بسازد تا سینما به‌عنوان صنعت تعریف شود و بازگشت سرمایه داشته باشد. فیلم‌هایی را که ما تهیه‌کنندگان غیردولتی می‌سازیم، اگر بخش دولتی می‌خواست بسازد حداقل چهاربرابر هزینه صرف می‌شد. بودجه‌های دولتی به سینما آسیب زدند و بخش خصوصی را در گردابی غرق کردند که نهایتا خودشان نیز در آن غرق خواهند شد.» حکمت که خودش تجربه تولید و تهیه فیلم‌ها ارزان را داشته، می‌گوید: «اگر اعلام کنم فیلم‌هایی که ساختم مثل «ورود آقایان ممنوع» را با چه رقم‌هایی ساخته‌ام، هیچ‌کس باور نمی‌کند در حالی که اگر قرار بود این فیلم‌ها با بودجه دولتی ساخته شوند، هزینه‌ها چهاربرابر می‌شد. در شرایط بحرانی کنونی، باید همه اهالی سینما دست‌به‌دست هم بدهند، فیلم خوب با حداقل بودجه بسازند؛ فیلمی که هم گیشه را تضمین کند و هم بتواند نیازهای هنری سینما را برآورده کند.»

استوری برد، چاره‌است

شاهرخ دولکو، منتقد سینما نیز بر اهمیت تغییر الگوهای تولید فیلم، چنان‌که با حداقل هزینه‌ها بتوان فیلم خوب تولید کرد، تأکید دارد. او به «شرق» می‌گوید: «از نظر من سینمای کم‌هزینه یکی از معدود راه‌هایی است که سینمای ایران پیش‌رو دارد. برای اینکه از رکود بیرون بیاید، اگر عزمی برای بیرون‌رفت سینما از بحران داشته وجود دارد، اتفاقا راه‌حل، ساخت فیلم‌هایی با حداقل هزینه‌ها جذاب و پرمخاطب است که این کم‌هزینه‌شدن و ایجاد جذابیت، راه‌حل‌هایی دارد. بخش زیادی از هزینه فیلم‌های ایرانی، بابت بازیگران است. وقتی به جدول هزینه‌های تولید یک فیلم نگاه می‌کنید، می‌بینید بخش عمده‌ای از هزینه‌های ساخت یک فیلم به قرارداد هنریشه‌ها

تهیه کننده فیلم معیّدی در پاسخ به حواشی؛

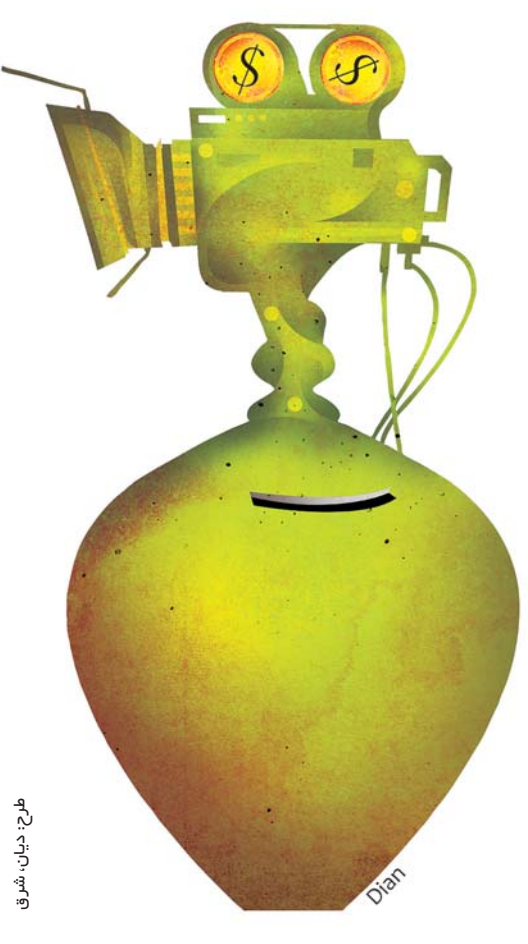
بایکوت فیلم محمدرسول‌الله(ص) را بعید می دانم

فرانک آرتارو روز گذشته، ۲۶ آبان خبری در خبرگزاری فارس درج شد مبنی بر اینکه چندی پیش نامه‌ای با امضای فیلم‌سازان و سینماگران مستقل ایران به مؤسسات و نهادهای رسانه‌ای و برگزارکنندگان جشنواره‌های سینمایی مطرح شدیم که در خصوص ارسال شده که در آن فیلم سینمایی محمدرسول‌الله(ص) - نماینده معرفی شده ایران به آکادمی اسکار - فیلمی غیرمرتبط با بدنه سینمای ایران و فیلمی حاکمیتی خوانده شده است. با توجه به اهمیت موضوع، بعد از پیگیری‌های انجام‌شده برای دریافت صحت‌وسقم این خبر از معیّدی، کارگردان فیلم، مطلع شدیم که معیّدی مجدداً حاضر به گفت‌وگو و اظهارنظر درباره هیچ موضوعی نیست. اما محمدمهدی حیدریان، تهیه‌کننده فیلم «محمد(ص)» در گفت‌وگو با «شرق» ارسال چنین نامه‌ای را بعید دانست و افزود: «من هم مدتی است چنین خبری را شنیده‌ام اما راستش را بخواهید اساسا نتوانستم باور کنم که چنین مطلبی موثق باشد و توسط هنرمندان ایران چنین چیزی اتفاق بیفتد و به نظر می‌رسد انتشار چنین اخباری همراه با سوءنیت است. چون این دست کین‌توزی‌ها و اتفاقات، مغایر با روحیه ایرانی و به‌خصوص سینماگر ایرانی است. ما در سینمای ایران هرسال شاهد افتخارات و درخشش سینماگرانی در عرصه بین‌المللی هستیم و همیشه از توفیق حضور کارگردان‌های مختلف در عرصه‌های بین‌المللی به‌عنوان دستاورد عمومی سینما یاد شده و با کسب افتخارات در فضای فضای عمومی خوشحال شده. ما در پیشینه سینما، هیچ اقدام مشابه این را نمی‌بینیم چون جابجاء فرهنگی - هنری ایران چنین سابقه‌ای ندارد. فیلم «محمد(ص)» در فضای ناجوانمردانه‌ای که امروز علیه اسلام در جهان

هست، هرکسی با هر عقیده‌ای حتی غیرمسلمان را به استقبال از این فیلم وادار می‌کند. ارسال چنین نامه‌ای محال به نظر می‌رسد، مگر از سوی گروه‌های ضداسلامی خارجی، چون من در فضای داخلی ایران چنین افرادی را سراغ ندارم.» ضمناً تماسی از سویی خبرنگار «شرق» با حبیب ایل‌بیگی، معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی، صورت گرفت که این مدیر سینمایی تا لحظه تنظیم خبر درساره صحت این خبر اظهار بی‌اطلاعی کرد. در خبر «فارس» آمده: «یک منبع آگاه در این زمینه بدون اشاره به جزئیات این نامه به خبرنگار سینمایی فارس گفته در این نامه فیلم سینمایی «محمد رسول‌الله(ص)» به‌عنوان یک فیلم حاکمیتی معرفی و درخواست شده که رسانه‌های بزرگ خبری جهان و همچنین برگزارکنندگان جشنواره‌ها و جوایز سینمایی به عظیم‌ترین پروژه سینمایی جهان اسلام بپردازند. در این نامه به‌صراحت درخواست شده است که این محصول سینمایی بایکوت شود.» در پی ارسال این نامه، دو رسانه بزرگ از انتشار و پخش صراحه با معیّدی، کارگردان این فیلم، خودداری کرد و برخی دیگر از رسانه‌ها که درخواست انجام گفت‌وگو با این چهره سینمایی را داشته‌اند دعوت خود را پس گرفته‌اند. بنا بر این گزارش، پس از پیگیری‌های انجام‌شده از سوی چند کارگردان که به لایې با افراد و چهره‌های سرشناس سینمایی جهانی پرداخته‌اند، هویت برخی از نویسندگان این نامه مشخص شده است. نامه مذکور بدون داشتن اسم و نشانی از نویسندگان آن و صرفا به امضای مبهم سینماگران مستقل ایران رسیده است. این درحالی است که منبعی موثق به «شرق» اعلام کرده که سینمای ایران دارای سینماگران مستقل است، ولی «تشکل سینماگران مستقل» گفت‌وگو با او نداشت. لازم به یادآوری است که این خبر به‌گونه‌ای مسئله لابی‌کردن جایزه اسکار اصغر فرهادی در دوره ریاست جواد شمقدری را به‌خاطر می‌آورد که رئیس سازمان سینمایی سابق مدعی بود اهدای جایزه به اصغر فرهادی با لایې ما صورت گرفته است. درحالی‌که بعید به نظر می‌رسد فرد یا افرادی از سینمای ایران قدرت نفوذ در همه جشنواره‌های بزرگ جهان را داشته باشند.

در گفت‌وگو با میرباقری، حکمت، دولکو و برزگر مطرح شد

سینمای ارزان؛ راه‌حل خروج ازبحران



برمی‌گردد. اما امروز واقعا کدام هنرپیشه تضمینی برای فروش یک فیلم است؟ کدام هنرپیشه است که اغلب مردم برای او یک فیلم را ببینند؟ این خاصیتی است که اغلب بازیگران ما فاقد آن هستند. دیگر هیچ تماشاگری به خاطر هنرپیشه خاصی نمی‌رود فیلمی را ببیند. احبانا اگر تماشاگری فیلم ببیند، به خاطر جذابیت‌های دیگر فیلم، از جمله قصه و کارگردانی خوب است. اگر کارگردان، فیلم‌نامه جذاب داشته باشد و با حداقل هزینه‌ها، فیلم باکیفیت بسازد، مخاطب را جذب فیلمش می‌کند. آیا فیلم‌های پرمخاطب هالیوود لزوماً بیگ پروداکشن هستند؟ مسلماً نه! خیلی فیلم‌های پرمخاطب آمریکایی هنرپیشه‌های ستاره ندارند ولی فروش میلیاردی می‌کنند. این نشان می‌دهد تماشاگر سینما، چه در ایران، چه در آمریکا و چه در اروپا تشنه قصه خوب و کارگردانی باکیفیت است. مشکل سینمای ایران همین است که برای ساخت یک فیلم بسیار زیاد هزینه می‌کنیم و هنرپیشه‌های گران می‌آوریم، در حالی که این بازیگران مردم را هم جذب نمی‌کنند. آن وقت کارگردانی بد داریم، نهایتاً هم می‌گوییم سینما ورشکسته است و مردم فیلم نمی‌بینند! اما نمی‌پرسیم چرا. در هالیوود فیلم‌هایی داریم که فقط با سه میلیون دلار ساخته شده‌اند، اما آن‌قدر فروش کرده‌اند که به قسمت‌های دو و سه هم کشیده شده‌اند. فیلمی مثل «پروژه جادوگر بلر» مثلاً فیلم ارزانی بود که فروش فوق‌العاده داشت. پس می‌توان با پول کم، فیلم خوب هم ساخت، بدون اینکه رخت‌وپاش اضافه داشته باشیم». دولکو به صریح‌چونبودن روش کنونی کارگردانان ایرانی نیز اشاره می‌کند: «بخشی از این هزینه‌های اضافی مربوط به دستمزد بازیگران است اما بخشی هم به کارگردانی مرتبط است. در سینمای استاندارد مثلاً هالیوود، کارگردان با استوری‌برد سر صحنه می‌رود. همین باعث می‌شود سرعت تولید بالا رود، چون همه

می‌دانند کارگردان دقیقاً چه می‌خواهد و همین سبب می‌شود هزینه‌ها پایین بیاید. در ایران، کارگردان به طراح صحنه می‌گوید یک خانه در ابعاد واقعی بسازید، درحالی‌که نهایتاً در فیلم از نیمی از آن خانه و دکورش استفاده می‌کند. چون استوری‌برد و دکوپاژ تصویری ندارد. کارگردان‌های ما اغلب به لحاظ فنی توانایی ندارند که به صورت فنی و ساختاری با فیلم مواجه شوند و پلان‌های اضافه نکیرند. شنیده‌ام در ایران، کارگردان صاحب‌نامی از یک صحنه، هم لانگ‌شات و هم مدیوم‌شات و هم کلوزآپ می‌گیرد تا نهایتاً سر تدوین، تدوین‌گر انتخاب کند کدام را توی فیلم بگذارد. یعنی نهایتاً انکار تدوینگر فیلم را می‌سازد. نداشتن استوری‌برد هم از آن مواردی است که سبب می‌شود هزینه فیلم چند برابر شود.»

سینمای ارزان، سینمای خلاق

معید برزگر، که خودش یکی از پیشروان ساخت فیلم‌های کم‌هزینه است، نیز درباره ساخت فیلم ارزان می‌گوید: «من مدت‌هاست فیلم‌سازی ارزان و البته رادیکال را به‌عنوان یک راهکار برای بیرون‌رفت سینمای ایران، از رکود کنونی پیشنهاد می‌کنم. تجربهای که من در این زمینه دارم، کارگردانی سه فیلم و تهیه‌کنندگی چند فیلم ارزان است. مثلاً هزینه هر سه فیلمی که کارگردانی کردم روی هم شاید به اندازه دو ماه حقوق یک ستاره مشهور هم نشده. این در حالی است که هر سه فیلم هم دیده شدند و موفقیت‌هایی داشتند و دست‌کم موقعیت مرا به‌عنوان کارگردان و فیلم‌ساز تثبیت کردند. بنابراین تجربه شخصی من نشان داده داشتن پول زیاد مزیتی برای فیلم‌ساز نیست و البته این نکته نافی و منکر این نمی‌شود که داشتن پول به‌طور طبیعی فیلم‌سازی را راحت می‌کند، اما اگر اقتصاد را در سینما و به‌طور کلی هنر مهم بدانیم، با توجه به بازار و تماشاگر، به این نتیجه می‌رسیم که سینما باید به سمت ساخت فیلم‌های کم‌هزینه برود. البته حتماً داشتن پول زیاد، شرایط تولید را راحت می‌کند. اما اگر چرخه اقتصادی را در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم فیلم‌ساختن با هزینه‌های گزاف، دیگر جواب نمی‌دهد. برای ملموس‌ترشدن بحث، مثالی بزنم. می‌دانیم حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد فروش سینما به تهیه‌کننده تعلق می‌گیرد و الباقی آن به سینمادار و پخش‌کننده و... می‌رسد، یعنی وقتی فیلمی دو میلیارد تومان هزینه می‌برد، حتماً باید شش میلیارد فروش کند که تازه پولی که صرف ساخت آن شده، به جیب تهیه‌کننده بازگردد. این در حالی است که اگر فیلم ارزان بسازیم، با توجه به ظرفیت ارکان، بازگشت سرمایه بهتری داریم. در طول سال چند فیلم با فروش شش میلیاردی داریم؟ خیلی کم. حالا ببینید چند فیلم دو میلیاردی می‌سازیم؟ زیاد. بزرگ خلاقیت فیلم‌ساز را نیز متأثر از هزینه‌های ساخت فیلم می‌داند می‌گوید: «غالب فیلم‌ها، برای ارکان ساخته می‌شود و سینمای کم‌هزینه هم سینمای پرتفرداری نیست. بنابراین افراد برای ساخت فیلم هزینه‌های بسیار می‌کنند و مدام تکرانی فروش هم دارند. این درحالی است که اگر فیلم‌های کم‌هزینه بسازند تکرانی وضعیت ارکان را ندارند، بنابراین دست به خلاقیت و تجربه هم می‌زنند. یعنی بدون تکرانی نواوری هم می‌کنند. این را هم تأکید کنم فیلم کم‌هزینه‌ساختن به معنای سهل‌انگاری در ساخت فیلم نیست.» کارگردان «پرویز» به تجربه خودش نیز اشاره می‌کند: «من ممکن است برای ساخت یک فیلم مدت‌ها به‌دقت دنبال لوکیشن بگردم، از امکانات و به‌روزرترین تکنولوژی استفاده کنم، به‌جای استفاده از بازیگر ستاره، بازیگران توانمندی که با دستمزدهای پایین و توانایی بالا کار می‌کنند را دعوت به کار کنم و نهایتاً فیلمی داشته باشم که با هزینه پایین ساخته شده اما این هزینه پایین روی کیفیت نهایی، اثر منفی نگذاشته است.»

● ● ●

با این محاسبات، باید دید فیلم‌سازان، ستاره‌هایی که تاکنون دستمزدهای نجومی طلب کرده‌اند و دیگر اهالی سینما، تا چه اندازه مصمم هستند با صرفه‌جویی در هزینه‌ها، رهنیز از قبول کمک‌های دولتی، با تولید فیلم‌های جذاب و پرمخاطب، سینما را از وضعیت بحران‌زده کنونی بیرون آورده و پای مردم را باز به سالن‌های سینما باز کنند؟ اتفاقی که احتیاج به اهتمام همه اصناف سینمایی دارد.

در «هفت‌نگاه» صورت گرفت:

خرید تابلوی سهراب سپهری برای موزه هنرهای معاصر

کرد: «از سال گذشته تاکنون پیگیری تشکیل انجمن بودیم. این کار، سخت نیست اما تلاشی درازمدت را طلب می‌کند. تا امروز نیز مخالفتی با این موضوع وجود نداشته است و امیدواریم تا سال آینده این کار انجام شود. به‌هرحال چنین انجمن صغری به دلیل

وجود مشکلات گالری‌داران و آسیب‌هایی که به هنرهای تجسمی وارد شده است لازم است». آریا اقبال، مدیر گالری آریا و یکی دیگر از اعضای «هفت‌نگاه» نیز درباره نبود فراخوان برای علاقه‌مندان حضور در این رویداد چنین پاسخ داد: «ما فعلاً ترجیح می‌دهیم فراخوان عمومی نداشته باشیم. اگر فراخوان بود این دوره تا چهارمین روز برگزاری گفت: «ما به یکی از اهدافمان که ورود اثر هنری به خانه‌های مردم بود، رسیده‌ایم. تا امروز ۸۸ اثر به ارزش ۹۴۰ میلیون تومان به فروش رفته است. گران‌ترین اثر فروخته‌شده تابلوی ۱۵۰ میلیونی سهراب سپهری بود که موزه هنرهای معاصر آن را خرید. ارزان‌ترین اثر فروخته‌شده هم ۱۰۰ هزار تومان اصل بود. آثار این نمایشگاه از ۱۰۰ هزار تا ۹۵۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده‌اند.»

به گفته گلستان وزارت ارشاد اثر دیگری هم از این نمایشگاه را برای خانه موسیقی خریده است. سخنگوی هفت‌نگاه همچنین گفت گران‌ترین اثر این نمایشگاه تابلوی دیگری از سهراب سپهری و پرفروش‌ترین هنرمند این دوره از نظر تعداد آثار تاکنون علیخان عبداللّهی، هنرمند افغان است. او همچنین درباره عوایدی که از فروش آثار، در اختیار هنرمندان قرار می‌گیرد، عنوان کرد: «۳۰ درصد فروش آثار به «هفت‌نگاه» و ۱۰ درصد آن به فرهنگسرای نیلوران می‌رسد. بسیاری از آثار متعلق به مجموعه‌دارها هستند و آنها با پولی که از فروش آثارشان به دست می‌آورند، یک اثر جدید می‌خرند.

مدیر گالری گلستان سپس به روند راه‌اندازی انجمن صنفی گالری‌داران یا اتحادیه گالری‌داران که در دوره قبل «هفت‌نگاه» نوید داده شده بود، اشاره کرد. به گفته گلستان وزارت ارشاد اثر دیگری هم از این نمایشگاه را برای خانه موسیقی خریده است. سخنگوی هفت‌نگاه همچنین گفت گران‌ترین اثر این نمایشگاه تابلوی دیگری از سهراب سپهری و پرفروش‌ترین هنرمند این دوره از نظر تعداد آثار تاکنون علیخان عبداللّهی، هنرمند افغان است. او همچنین درباره عوایدی که از فروش آثار، در اختیار هنرمندان قرار می‌گیرد، عنوان کرد: «۳۰ درصد فروش آثار به «هفت‌نگاه» و ۱۰ درصد آن به فرهنگسرای نیلوران می‌رسد. بسیاری از آثار متعلق به مجموعه‌دارها هستند و آنها با پولی که از فروش آثارشان به دست می‌آورند، یک اثر جدید می‌خرند.

هشتمین نمایشگاه هفت‌نگاه تا ششم آذرماه هم‌روزه در فرهنگسرای نیلوران واقع در انتهای پاسداران، روبه‌روی پارک نیلوران دایر است.

چهره روز

برزگداشت محمدعلی سپانلو، شاعر معاصر ما

دیدیم خاک جمله فسانه است



محمدعلی سپانلو

پس از گذشت چندها در گذشت محمدعلی سپانلو، شاعر مطرح معاصر، در زادروز این شاعر، مراسمی در نگوداشت او برگزار می‌شود. اهالی ادبیات و هنر، جمعه، ۲۹ آبان از ساعت ۱۸ تا ۲۰

در خانه هنرمندان ایران گردهم می‌آیند تا خاطره شاعری را زنده کنند که از سالیان دور با اهل فرهنگ دمخور و دمساز بوده است و حسن‌ معاشرتش زبانزد. سپانلو جدا از شاعری‌اش، تالیفات و ترجمه‌های بسیار نیز در کارنامه خود داشته است. از این میان شاید «بازآفرینی واقعیت» و «دیدبان خواب‌زده» بیش از همه نسبت او را با ادبیات داستانی معاصر ایران نشان می‌دهد. سپانلو با تالیفاتی مانند «محمدتقی بهار، ملک‌الشعراء» و «چهار شاعر آزادی» نیز حکایت از تسلط او بر شعر ایران دارد. برخلاف سنت ما، او شاعری پرسه‌زن بود که در نقد و نظر نیز دستی داشت. «تعلق و تماشاً» و «دیدبان خواب‌زده» هوش و دقت موشکافانه او را در مواجهه با اتفاقات ادبی و هنری پیرامونش به‌خوبی عیان می‌کند. او ترجمه‌هایی در شعر و داستان نیز دارد: از گیوم آپولینر، یانینس ریئتوس، چند کتاب از آلبر کامو، سارتر و دیگران. «افسانه شاعر گمنام» و «زمستان بلا تکلیف ما» آخرین دفترشعرهای منتشرشده او است. «خانم زمان»، «قایق‌سواری در تهران»، «یاده‌روها» و «سندباد غایب» نیز از معروف‌ترین دفترشعرهای این شاعر است. با فاصله شش‌ماه از درگذشت سپانلو، یکی از آخرین نویسندگان نسل درششان ادبیات، اهالی فرهنگ و دوستانش از او، شعر و حضورش در عرصه ادبیات و فرهنگ می‌گویند. مهدی اخوت، بهرام دبیری، کامران عدل، عبدالعظیم، رابین فرهنگی فرانسه، امید روحانی، شوکا حسینی، سعدی گل‌ربایی و جواد عاطفه (قارانت پیام مدیا کاشیکر) در این مراسم سخنرانی خواهند کرد. تک‌نوازی پیانو مارال اصلاح‌پذیر و شعرخوانی سمیرا رشیدپور به زبان فرانسه، همراه با موسیقی بآک و لوی پور و پخش کلیپی از محمدعلی سپانلو از دیگر برنامه‌های این مراسم است. فرشید پارسی‌کیا، نیز پوستر این مراسم را طراحی کرده است.

زیر آسمان فیروزه ای

جلوگیری ازاکران «حکایت عاشقی»

● **شرق:** یک روز مانده به اکران فیلم سینمایی «حکایت عاشقی» به کارگردانی «احمد رمضان‌زاده» و به تهیه‌کنندگی «مسعود جعفری‌جو زانی»، از اکران این فیلم در سینماهای کشور جلوگیری شد. تاکنون هیچ توضیحی به شرکت «جوزان فیلم» که پخش‌کننده این فیلم است، ارائه نشده و آنها اعتراض خود را به وزارت ارشاد اعلام کرده‌اند و منتظر تصمیم نهایی مسئولان سینمایی هستند. اکران سراسری و عمومی «حکایت عاشقی» قرار بود از چهارشنبه، ۲۷ آبان توسط شرکت پخش «جوزان فیلم» در سینماهای تهران و شهرستان‌های مختلف کشور آغاز شود اما بنا به دلایلی اعلام‌نشده از طرف شورای صنفی نمایش، از اکران آن جلوگیری شد. در این فیلم بهرام رادان، قطب‌الدین صادقی، بهمن زربین‌پور، ششیلان رحمانی و شوان غطوف، بازیگر سرشناس سینما و تلویزیون اقلیم کردستان و عراق و... به ایفای نقش پرداخته‌اند. غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش، درباره اکران‌نشدن فیلم «حکایت عاشقی» که قرار بود در سینماهای آزاد به نمایش دربیاید، به ایستاق گفت: «علت این موضوع فقط‌و‌فقط تعدد فیلم‌هایی است که در حال اکران هستند. از سوی دیگر فیلم‌هایی هم که در گروه آزاد اکران شدند، مانند «شاهزاده روم» با استقبال خوبی روبه‌رو شدند به همین دلیل شورا تصمیم گرفت این هفته فیلمی در گروه آزاد اکران نشود.»

«زنان بدون مردان» درکالری آرته

● نمایشگاه عکس پرستو احدی با عنوان «زنان بدون مردان» از ۲۹ آبان در کالری آرته برگزار می‌شود. فیتزاتریک، آندریا، پژوهشگر هنر در مطلبی در مورد آثار احدی نوشته است: «پرستو احدی عکاسی را به‌عنوان ابزار شناخت و کوشش‌بردن به زنان و دختران آشنا به کار می‌گیرد. او بیننده را با احساسات سوژه‌هایش، ظاهر آنان و بدن‌هایشان درگیر می‌کند و روایت شخصی سوژه‌ها و اهمیت زرمه‌ها و آواهای آنان را به تصویر می‌کشد.»

این نمایشگاه از جمعه، ۲۹ آبان افتتاح می‌شود و تا هشتم آذر هرروز از ساعت ۱۰-۲۰ در کالری آرته به نشانی ونک، خیابان ملاصدرا، شیخ بهایی جنوبی، پایین‌تر از همت، بلوار علیخانی، ۱۲متری گلستان، کوچه دوم، شماره ۳۴ ادامه دارد.